

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.296298.2025>

Assessing US Foreign Policy on Counterterrorism During the Presidencies of Barack Obama and Donald Trump

Abstract:

Terrorism is not a new phenomenon. History is full of terrorist acts; Actions that have taken the lives of countless innocent human beings, deprived many human beings of their fundamental rights and freedoms, endangered our friendly relations between states, and undermined the territorial integrity and security of states. It is endangered. The purpose of this study is to provide an analytical and comparative look at the approach of Barack Obama and Donald Trump to counter-terrorism in the Middle East. In this study, we answer the question of whether the US unilateralist approach to terrorism moves toward multilateralism. The research hypothesis is that the "American foreign policy approach" in the fight against terrorism is changing from unilateralism to multilateralism. Therefore, in this article, we examine the counter-terrorism approaches in the administrations of Barack Obama and Donald Trump, using descriptive-analytical methods and library tools.

Keywords: Terrorism, Foreign Policy, United States, Barack Obama, Donald Trump

ارزیابی سیاست خارجی ایالات متحده در زمینه مبارزه با تروریسم در دوره ریاست جمهوری
باراک اوباما و دونالد ترامپ

فریدون سعیدی ابواسحق^۱ تاریخ دریافت: 1401/4/10
امین روان بد^۲ تاریخ پذیرش: 1401/6/7
علی محمد حقیقی^۳

چکیده

تروریسم پدیده جدیدی نیست. تاریخ مشحون از اقدامات تروریستی است؛ اقداماتی که حیات انسان‌های بی‌گناه بی‌شماری را سلب نموده، بسیاری از افراد بشر را از حقوق و آزادی‌های اساسی محروم ساخته، روابط دوستانه فی ما بین دولت‌ها را در معرض خطر قرار داده و تمامیت ارضی و امنیت دولت‌ها را به مخاطره افکنده است. هدف از این پژوهش نگاهی تحلیلی و تطبیقی نسبت به رویکرد باراک اوباما و دونالد ترامپ در مقابله با تروریسم در خاورمیانه می‌باشد. در این پژوهش در پی پاسخ به این سوال می‌باشیم که آیا رویکرد یکجانبه گرایی آمریکا در تقابل به تروریسم به سمت چندجانبه گرایی حرکت می‌نمایند. فرضیه پژوهش آن است که رویکرد سیاست خارجی آمریکا در مبارزه با تروریسم از یکجانبه گرایی به چندجانبه گرایی در حال تغییر است. بنابراین در این مقاله به بررسی رویکردهای مقابله با تروریسم در دولت باراک اوباما و دونالد ترامپ می‌پردازیم که در این راستا از روش توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه ای بهره می‌گیریم.

کلمات کلیدی: تروریسم، سیاست خارجی، ایالات متحده آمریکا، باراک اوباما، دونالد ترامپ.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران،

fsa1362@gmail.com

^۲ استادیار روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران (نویسنده مسئول)

aravanbod@gmail.com

^۳ استادیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

am.haghighi@yahoo.com

در سال 2008، انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بعد از دو سال فعالیت انتخاباتی نامزدهای دو حزب دموکرات و جمهوری خواه پایان یافت. این انتخابات، با پیروزی باراک اوباما نامزد حزب دموکرات بر جان مک کین نامزد حزب جمهوری خواه به اتمام رسید. «انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا که نه تنها توجه مردم این کشور، بلکه توجه مردم جهان را برای مدتی به خود جلب کرد، نشان از تأثیرگذاری سیاست و نفوذ این کشور در دیگر مناطق جهان را دارد» (Buzan, 2010; 195). روی کار آمدن اوباما نویدبخش فصلی تازه در روابط فرآتلانتیک بود، چرا که چندجانبه گرایی از منظر دموکرات‌ها بیشتر بر روابط فرآتلانتیکی و همکاری با اتحادیه اروپا استوار است. اوباما در طول مبارزات انتخاباتی خود، همواره بر لزوم تغییر سیاست‌ها و اتخاذ رویکردی چندجانبه گرایی و ضرورت همکاری بین المللی برای حل مسائل جهانی همچون افغانستان، عراق، خلع سلاح، تغییرات آب و هوایی و مانند آنها تأکید کرد. «دونالد جی ترامپ در 7 نوامبر 2017، به عنوان چهل و پنجمین رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا انتخاب شد» (CNN, 2016) شکی نیست که «جنگ علیه تروریسم» و تهدید تروریسم داخلی اسلامی در پیروزی دونالد ترامپ نقش بسزایی داشت. برخی با اطمینان پیش بینی می‌کردند که کلاوتر جدید مسئول مبارزه با تروریسم است و مطمئناً همه چیز در آن صحنه تغییر خواهد کرد. ترامپ مجموعه جدیدی از سیاست های قانونی علیه تروریسم را ایجاد نکرده و در واقع همان چارچوب های قانونی ایجاد شده در دوران دولت بوش را حفظ کرده و عمل کرد که توسط دولت اوباما به سختی پذیرفته شده بود. تنها تفاوت قابل توجه بین ترامپ و اوباما این بود که «اولین سال ریاست جمهوری اوباما در کارزاری ناموفق اما بسیار فعال برای از بین بردن سیاست های قانونی بوش علیه تروریسم سپری شد، در حالی که ترامپ به سرعت انتخاب کرد که در چارچوب قانون و سیاست تعیین شده فعالیت کند» (Ingram, 2016). در تقابل با تروریسم هر دو رئیس جمهور از استراتژی متفاوتی استفاده نموده اند. بنابراین و با توجه به رویکرد متفاوت هر دو رئیس جمهور، سوال این پژوهش این است که آیا رویکرد یکجانبه گرایی آمریکا در تقابل به تروریسم به سمت چندجانبه گرایی حرکت می‌نمایند. پژوهش مورد نظر برای راستی آزمایی فرضیه مورد نظر از روش توصیفی - تحلیلی، در چند بخش مطالب مورد نظر را سازماندهی کرده است.

1- پیشینه تحقیق

در کتابی (2020) تحت عنوان "سخنان ریاست جمهوری درباره تروریسم در دوران بوش، اوباما و ترامپ" گابریل رابین بیان داشته است؛ با تجزیه و تحلیل داده های هجده ساله ریاست جمهوری، این کتاب نشان می‌دهد که چگونه روسای جمهور بوش، اوباما و ترامپ، جنگ با تروریسم را از سال 2001 تا کنون را طراحی کرده اند. سخنان ریاست جمهوری در مورد تروریسم در زمان بوش، اوباما و ترامپ نشان دهنده آن است که چگونه پس از اتمام دوره ریاست جمهوری، محدودیت رئیس جمهور جدید، نشان دهنده پذیرش آرام رویکرد رژیم قدیم می‌باشد. کتاب پس از بررسی روند جنگ با تروریسم تا به امروز، با ارائه پیشنهاد های سیاستی برای آینده به پایان می‌رسد. بر خلاف پژوهش پیش رو، این کتاب صرفاً به گردآوری سخنرانی‌های ضد تروریستی روسای جمهور داشته و به اقدامات آنها نپرداخته است.

در کتاب (2018) تحت عنوان "مبارزه با تروریسم از دولت اوباما تا ترامپ" رویکرد دولت اوباما با دولت ترامپ در مورد امنیت ملی و مبارزه با تروریسم را مورد مقایسه قرار می‌دهد. این کتاب مروری است بر اقدامات ضد تروریستی در دوران اوباما و سپس به سمت ظهور داعش و جنگ داخلی سوریه می‌رود و در پایان با تجزیه و تحلیل سیاست های امنیت ملی دولت جدید ترامپ به پایان می‌رسد. بر خلاف این پژوهش، کتاب صرفاً متمرکز بر اقدامات ضد تروریستی در جنگ با داعش و جنگ داخلی سوریه است.

2- مبانی نظری

در نظریه رد صلح دموکراتیک برخی از متفکران روابط بین الملل معتقد هستند که جوامع دموکراتیک با هم نمی‌جنگند. لیپگل¹ و نینسیس² معتقدند بنا بر دو دلیل دموکراسی‌ها به جنگ روی نمی‌آورند؛

1- تبیین هنجار های فرهنگی: که تأکید می‌شود فرهنگ سیاسی دموکراتیک مبتنی‌چانه زنی، مذاکره و سازش در سیاست داخلی را دموکراسی‌ها به روابط خارجی خود خصوصاً با کشورهایی که با آنها هنجار های سیاسی مشابهی دارند، بسط می‌دهند.

¹ Lipgel

² Ninsis

۲- سرچشمه صلح دموکراتیک را باید در ساختار دموکراتیک جستجو کرد. به این معنا که «محدودیت‌های در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری، توانایی‌حکومت را برای مبادرت به جنگ مهار می‌کنند» (Moshirzadeh, 2014; 28). وارن کریستوفر^۱ وزیر خارجه سابق آمریکا مدعی بود که «ملل دموکراتیک به ندرت آغازگر جنگ بوده و یا همسایگان خود را تهدید می‌کنند» (Waltez, 1999; 62).

با این حال با نگاهی تاریخی به مداخلات آمریکا در آمریکای لاتین به خوبی نادرستی‌های نظریه‌های فوق مشخص می‌شود. نمونه بارز این گونه مداخلات را در حمایت آمریکا از کودتا در شیلی علیه دولت چپ‌گرای آلنده^۲ نام برد که برای حفظ و گسترش نفوذ آمریکا در آمریکای لاتین شکل گرفت. کسینجر می‌گوید: «نمی‌دانم چرا باید بایستیم و تماشا کنیم که یک کشور به علت بی‌مسئولیتی مردم خود در ورطه کمونیسم غرق می‌شود» (Waltez, 1999; 60).

والتر به نقل از کریستوفر لین^۳ می‌گوید: «عدم وقوع جنگ میان دولتهای دموکراتیک نه به علت عدم تمایل آنها، بلکه به علت هراس از طرف ثالث بوده است که دلیل واقع‌گرایی خوبی به شمار می‌رود مثلاً چگونه ممکن است فرانسه و بریتانیا بر سر فاشودا (نام منطقه ای در آفریقا که نیروهای فرانسه در آنجا با هم برخورد کردند و نهایتاً نیروهای فرانسوی عقب کشیدند) نبرد کنند، در حالیکه آلمان در پشت سر آنها در کمین نشسته بود. مطابقت و سازگاری کشورها با یک شکل حکومتی ویژه می‌تواند برخی از علل جنگ را از میان بردارد، اما نه همه آنها را. تز صلح دموکراتیک تنها زمانی معتبر است که علل جنگ در درون کشورها نهفته باشد» (Waltez, 1999; 58).

3- تاریخچه

تروریسم پدیده جدیدی نیست. تاریخ مشحون از اقدامات تروریستی است؛ اقداماتی که حیات انسان‌های بی‌گناه بی‌شماری را سلب نموده، بسیاری از افراد بشر را از حقوق و آزادی‌های اساسی محروم ساخته، روابط دوستانه فی ما بین دولت‌ها را در معرض خطر قرار داده و تمامیت ارضی و امنیت دولت‌ها را به مخاطره افکنده است. در عصر جدید، تروریسم از تهدیدی ملی به یک تهدید بین‌المللی مبدل گشته و هراس آن وجود دارد که با گسترش آن صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره افتد. در عصر جهانی شدن و تکنولوژی پیشرفته، دیگر تروریسم در مرزهای ملی یا منطقه‌ای محصور نمی‌ماند. تروریست‌ها همگام با روند جهانی شدن پیشرفت کرده‌اند اما هرگز در قید و بندهای بین‌المللی ناشی از آن گرفتار نشده‌اند. از آنجا که تروریست‌ها به بازیگرانی بین‌المللی تبدیل شده‌اند، می‌توانند تقریباً هر جا که بخواهند اقدامات تروریستی خود را ساماندهی کرده، به اجرا گذارند، از این‌رو هیچ منطقه، دولت یا ملتی از اقدامات آن مصون نمی‌ماند. «تروریست‌ها با انگیزه‌های متفاوت ممکن است دست به اقدامات تروریستی بزنند. خطر آنگاه جدی‌تر جلوه می‌کند که امکان دستیابی گروه‌های تروریست و استفاده آنان از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی مورد توجه قرار گیرد، چنان که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال 1995 با صدور قطعنامه‌ای آن را مورد توجه قرار داد.» (U.N.G.A/Resolution, 1995).

4- مبارزه با تروریسم در دوره ریاست جمهوری اوپاما و ترامپ

«منطقه خاورمیانه از حدود یک قرن پیش و مخصوصاً پس از جنگ جهانی دوم، کانون عمده جنگ و بحران بوده و در قرن بیست و یکم نیز با جنگ و ترور مترادف شده است. مناقشه در منطقه در سطوح مختلف همچون مناقشات منطقه ای دیرپا، درگیری‌های کوتاه مدت درون منطقه ای، منازعات داخلی، پدیده سعودی‌تروریسم، و جنگ‌های تحمیلی از سوی بازیگران خارجی رخ داده و مناقشات بین دولتها و همینطور میان گروه‌های قومی در تمام سطوح وجود داشته است» (Maleki & ebrahimi, 2020).

1-4. رویکرد اوپاما در مبارزه با تروریسم

اوپاما از روزی که نامزدی خود را اعلام کرده بود خواهان خروج نیروهای نظامی آمریکا طی شانزده ماه از عراق شد. وی جنگ عراق را اشتباه استراتژیک جرج بوش خواند. اوپاما معتقد بود با القاعده باید

¹ Warren Christopher

² Allende

³ Christopher Lee

در افغانستان و پاکستان جنگید. لذا هم اوباما و هم کین معتقدند که جنگ را باید ادامه داد. منتها کانون جنگ فرق می‌کند. پس از هشت سال پر آشوب دولت دلبلیو بوش بود، که ایالات متحده را در آستانه نابودی مالی قرار داد، اوباما تلاش کرد مسیر جدیدی را در سیاست خارجی آمریکا ترسیم کند. «رئیس جمهور جدید، هم در شعارهای خود و هم در اقدامات خود، تلاش کرد تا بین سیاست واقع‌گرای، عمل‌گرای و خویشتنداری از سلف خود تضادی جدی ایجاد کند. اوباما ابراز امیدواری کرد که آمریکای با رویکردی جدید به صحنه جهانی بازگردد» (Gerges, 2012). برخلاف بوش، که حاضر به «مذاکره با تروریست‌ها» نبود، اوباما متعهد شد که با دشمنان آمریکا، سیاسی درگیر شود؛ «من نه فقط با دوستان، بلکه با دشمنان ملاقات خواهم کرد، زیرا آنچه را که از کندی به یاد می‌آورم، یادآوری می‌کنم، از ترس مذاکره می‌کنیم، اما هرگز نباید از مذاکره بترسیم» (Democratic presidential debate on NPR, 2013). هدف اوباما دور شدن از اتکا به نیروی نظامی در جهت استفاده و تقویت قدرت نرم بود. همانطور که در سخنرانی وی آمده است: «به یاد بیاورید که نسل‌های گذشته نه تنها با موشک و تانک، بلکه با ائتلاف‌های محکم و محکومیت‌های ماندگار ایضا شدند. آنها فهمیدند که قدرت ما به تنهایی نمی‌تواند از ما محافظت کند و همچنین به ما حق نمی‌دهد هر طور که دوست داریم عمل کنیم» (The White House, 2013). سرانجام، اوباما انگیزش کشور برای برقراری تعادل در سیاست داخلی و بین‌المللی عمیقاً درک کرد و تمرکز خود را به جبهه داخلی تغییر داد.

1-1-4. اوباما و خروج از عراق

اوباما از همان ابتدا مخالف جدی تهاجم آمریکا به عراق بود. او معتقد است، «جبهه‌ی مرکزی جنگ با تروریسم، منطقه‌ی مرزی با افغانستان و پاکستان است نه عراق. اوباما ضمن اینکه مذاکره با همسایگان عراق را مفید می‌داند، مخالف افزایش بودجه‌ی نظامی و تاسیس پایگاه‌های نظامی دائمی آمریکا در عراق است» (Marshall, 2008). به اعتقاد کلینتون¹ وزیر خارجه اوباما نیز، جنگ عراق قوای نظامی و ارزش‌های استراتژیک آمریکا را به تحلیل برده است. «این جنگ ارتش را به نقطه‌ی فروپاشی کشانده است و در حال حاضر چاره‌ای جز بازسازی نیروی نظامی نداریم» (Clinton, 2007:5). اوباما جنگ علیه عراق را یکجانبه، پیش‌دستانه و نقض‌کننده اصول اولیه‌ی قوانین بین‌الملل خواند و آن را باعث «غفلت از جنگ افغانستان معرفی کرد که به اعتقادش جنگی قانونی و منطبق با قوانین بین‌المللی بوده است» (Quoted from New Road Report in Iraq, 2009). اوباما بر این باور بود که «راه اساسی جلوگیری از گسترش تروریسم در جهان، کاهش نفرت از آمریکاست که با تغییر سیاست‌های آمریکا در برخورد با ملل دیگر، احترام به حقوق و ارزش‌های آنان و اتخاذ رویکرد چندجانبه در اعمال سیاست خارجی میسر است» (Yazdan Fam, 2010:199). «رویکرد دولت اوباما در جهان و به طور مشخص در عراق، رویکردی کمتر نظامی و بیشتر چندجانبه‌گرایانه و با تأکید بیشتر بر حقوق بشر و دموکراسی است» (Yazdan Fam, 2010:197).

2-1-4. استراتژی اوباما در قابل پاکستان

در خارج از مرزهای افغانستان نیز کشوری که پیامدهای استراتژی اوباما، شدیداً آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد، پاکستان است. پاکستان به سه دلیل برای واشنگتن اهمیت دارد، «نخست اینکه گذرگاه طبیعی کاروان‌های لجستیکی نیروهای نظامی آمریکا و ناتو در افغانستان است. این معبر لجستیکی از بندر کراچی در جنوب شروع می‌شود و تا گذرگاه خیبر در مرز افغانستان ادامه می‌یابد. دوم، این کشور مالک سلاح‌های هسته‌ای است و نهایتاً حضور قدرتمند طالبان محلی به ویژه در نوار قبایلی شمال غرب این کشور است. همان‌طور که در هفته‌های اخیر شاهد بودیم، از فردای اعلام استراتژی جدید آمریکا برای اعزام حدود ۳۰ هزار نیرو به افغانستان، نا آرامی و انفجار بمب در پاکستان تشدید شده است» (College Potter, 2010).

با روی کار آمدن اوباما منطقه‌ای که پاکستان و افغانستان در آن واقع است. خطرناک‌ترین منطقه جهان لقب گرفت و تلاش برای رهایی این منطقه از تهدیدهای موجود، در دستور کار اوباما قرار گرفت. «بهره‌گیری از نقش مستقیم و شفاف پاکستان (در شکل ورود ارتش پاکستان به جنگ) و نیز کمک غیر نظامی پاکستان برای توسعه مناطقی که طالبان‌بیس در آنجا رشد می‌کند، از ضرورت‌های حیاتی این مبارزه بود» (Shafi'i, 2019;145-146).

¹ Clinton

3-1-4. استراتژی اوباما در افغانستان

استراتژی آمریکا با توجه به اینکه خطر را تروریسم می‌داند، حکم می‌کند که در افغانستان باید به جنگ پرداخت. آنجا محل استقرار تروریست‌هاست. جنگ در افغانستان برخاسته از الزامات استراتژیک است. جنگ افغانستان یک ضرورت است. استراتژی کلان در ضمن بیان می‌کند که چرا بعضی تهدیدها اولویت کسب می‌کنند. حضور در افغانستان از اولویت حیاتی برخوردار است. «پس لیبرال‌ها شروع به صحبت از جنگ خوب و جنگ بد کردند. جنگ عراق یک جنگ بد است چون هیچ ارتباط عملیاتی و تئوریک با مبارزه بر علیه تروریسم ندارد اما جنگ افغانستان چون مستقیماً در ارتباط با مقابله با القاعده که در افغانستان مستقر شده می‌باشد یک جنگ خوب است. اولین اقدام وی، اعزام ۲۱ هزار نفر متشکل از 4 هزار نفر مربی و ۱۷ هزار نفر سرباز به افغانستان بود» (Dhoshyar, 2009: 1079). مهمترین محورهای استراتژی اوباما در افغانستان را می‌توان موارد زیر دانست؛

- 1- افزایش سربازان آمریکایی به میزان ۳۰ هزار نفر
- 2- آموزش و تجهیز ارتش افغان به تعداد ۶۰۰ هزار نفر
- 3- ترکیب استراتژی‌های مبارزه با تروریسم و مبارزه با القاعده
- 4- اعلام زمان بندی خروج نیروهای خارجی از افغانستان تا سال ۲۰۱۳
- 5- ملزم ساختن دولت کابل به اجرای طرح اصلاحات و نیز مبارزه با فساد اداری و مالی
- 6- تلاش برای ایجاد شکاف بین شبه نظامیان پاکستان و افغانستان
- 7- تعیین بودجه ۳۰ میلیارد دلاری برای تامین هزینه‌های ۳۰ هزار نیروی جدید» (College) (qozehgar, 2010: 18 - 39).

دولت افغانستان و سازمان ناتو از طرح اعزام نیروهای جدید به جنگ استقبال کردند. همچنین برخی کشورهای کوچک شرق اروپا و خاور دور نیز که آمریکا پایگاه نظامی در آنها دارد نیز قول حمایت از طرح اوباما را دادند. «لهستان اعلام کرد احتمالاً یک هزار نیروی نظامی تکمیلی برای همراهی اوباما به کشور افغانستان اعزام خواهد کرد و ژاپن اعلام کرد به تامین کمک‌های غیر نظامی برای بازسازی این کشور پایبند می‌ماند» (College qozehgar, 2010: 39). تلاش دولت اوباما بر این بوده است که با تغییر استراتژی جنگ علیه ترور، نیروهای نظامی بیشتری را در افغانستان پیاده کند و در این کشور ترکیبی از استفاده از زور و قدرت نظامی و دیپلماسی را با نیروهای طالبان را اتخاذ نماید. «از طرفی اوباما با اعلام استراتژی خود در افغانستان، اقدام به اعزام سی هزار نیروی جدید و اختصاص بودجه 33.4 میلیارد دلاری کرده است و از طرفی دیگر بر لزوم بهره‌گیری از ترکیب غیر نظامی برای مصالحه با طالبان و طرح‌هایی برای همکاری با پاکستان را مدنظر داشته است» (Mottaqi and Rahnavard, 2010: 137-139).

3-1-4.1. قرارداد امنیتی کابل - واشینگتن

پیمانهای استراتژیک با حامیان بین المللی افغانستان، راهبردی بود که از سوی جامعه جهانی برای تضمین دوام کمکها و حمایت‌های بین المللی از افغانستان در نظر گرفته شد. «یکی از مهم ترین این پیمانها، پیمان امنیتی میان افغانستان و آمریکا بود که قرار بود سال گذشته به امضا برسد» (zaki, 2014). فعالان افغان پیمان امنیتی میان واشنگتن و کابل را زمینه ساز حضور طولانی مدت نظامی آمریکا در این کشور جنگ زده می‌دانند. توافق امنیتی دو جانبه (bsa) راه را برای ادامه حضور هزاران نیروی نظامی آمریکا و ناتو بعد از مهلت مقرر خروج آنان در سال ۲۰۱۶ میلادی، فراهم خواهد کرد. «این توافق همچنین به دوازده تا چهارده هزار نیروی نظامی عمدتاً آمریکایی اجازه می‌دهد، به حضور خود در این کشور جنگ زده ادامه دهند. نظامیان خارجی مستقر در افغانستان، در صورت امضاشدن پیمان امنیتی دوجانبه مجبورند تا پایان سال آینده (۲۰۱۴) این کشور را ترک کنند» (American Studies Institute News Agency: 2013). البته اوباما درباره آینده نیروهای آمریکایی در افغانستان گفت «اگر پیمان امنیتی با افغانستان امضا شود تنها بخش کوچکی از نیروهای آمریکایی در این کشور باقی می‌مانند و مأموریت آنها آموزش و کمک به نیروهای نظامی افغانستان خواهد بود» (Bagheri, 2014: 6).

از نکات قابل توجه در اقدامات آمریکا رویکرد به طالبان است. بسیاری از ناظران سیاسی مهم ترین مولفه برای این رویکرد را حذف بن لادن¹، سرکرده گروه تروریستی القاعده، از صحنه می‌دانند. در این چارچوب، آمریکایی‌ها در حالی حذف بن لادن را رقم می‌زنند که در مقابل به دنبال اعطای امتیازاتی به طالبان به اصطلاح میانه رو می‌باشند. «رایزنی‌های متعدد در کشورهای اروپایی نظیر انگلیس با طالبان، برگزاری نشست‌هایی با محوریت اشتهای ملی در افغانستان، اعطای مجوز به طالبان برای تاسیس دفتر در ترکیه و گاه امارات و تاجیکستان، اختصاص بودجه‌های قابل توجه برای کمک مالی به سران قبایل مرتبط با طالبان، اعلام طرح واگذاری مناطقی از جنوب افغانستان به طالبان (طرح پترائوس)، اعمال فشار بر پاکستان برای پذیرش جایگاه طالبان در افغانستان و غیره، در چارچوب این امتیازات است» (Amini, 2010:80).

در سال ۲۰۰۸ برنامه تقویت صلح و آشتی مطرح شد و بر اساس آن، ایالات متحده از دولت حامد کرزای² در گفتگو با طالبان میانه رو پشتیبانی کرد. این برنامه که تحت نظارت شورای امنیت ملی افغانستان صورت گرفت، ۵ هزار نفر از رهبران و فرماندهان طالبان سلاح خود را زمین گذاشتند و وارد گردونه رقابت‌های سیاسی شدند مانند وکیل متوکل و ارسالان رحمانی که از وزرای پیشین طالبان و نمایندگان پارلمان افغانستان، مراکت فرمانده سابق طالبان که در پیکارهای انتخابات ریاست جمهوری افغانستان شرکت جست. «این گفتگوها در دوران اوباما با تلاش بیشتر در قالب استراتژی جدید مارس ۲۰۰۹ دنبال می‌شود به طوری که میانجی‌گران با نمایندگان گلبدین حکمت یار رهبر حزب اسلامی، نخست وزیر پیشین افغانستان و از رهبران مسلح و معارض دولت مرکزی، سراج الدین حقانی از دیگر رهبران شبه نظامیان که نیروهای تحت امر وی به عملیات‌های تروریستی انتحاری بی‌شمار در افغانستان دست زده بودند و همچنین برخی فرماندهان نزدیک به ملا عمر رهبر طالبان انجام دادند. بان کلی سخنگوی وقت کاخ سفید با استقبال از این گفتگوها می‌گوید، ایالات متحده از هرگونه تلاشی برای متقاعد کردن طالبان به کنار گذاردن خشونت و پذیرش حکومت منتخب دموکراتیک افغانستان پشتیبانی می‌کند» (Dexter, 2009).

2-4. رویکرد دونالد ترامپ در مقابله با تروریسم

وقتی دونالد جی ترامپ، تاجر میلیاردر قصد خود را برای کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در سال 2015 اعلام کرد «بیشتر مفسران "رسانه های اصلی" شانس نامزدی جمهوری خواهان را رد کردند، چه رسد به این که دفتر ریاست جمهوری را بدست آورند» (Ingram, 2016). «با این وجود، در 7 نوامبر 2017، دونالد جی ترامپ به عنوان چهل و پنجمین رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا انتخاب شد» (CNN, 2016). در مورد دلایل پیروزی ترامپ، شکی نیست که "جنگ علیه تروریسم" و تهدید تروریسم داخلی اسلامی در پیروزی دونالد ترامپ نقش بسزایی داشت. برخی با اطمینان پیش بینی می‌کردند که کلانتر جدید مسئول مبارزه با تروریسم است و مطمئناً همه چیز در آن صحنه تغییر خواهد کرد.

جمله تکراری ترامپ «آمریکا را دوباره بزرگ بساز» (Pamela Engel, 2017). قطعاً سیاست منافع ملی و افتخار به ویژگی‌های مثبتی را نشان می‌دهد که مظهر آمریکاییسم است، اما نشان نمی‌دهد که وی قصد چنین کاری را دارد. تنها تفاوت قابل توجه بین ترامپ و اوباما این بود که اولین سال ریاست جمهوری اوباما در کارزاری ناموفق اما بسیار فعال برای از بین بردن سیاست های قانونی بوش علیه تروریسم سپری شد، «در حالی که ترامپ به سرعت انتخاب کرد که در چارچوب قانون و سیاست تعیین شده فعالیت کند» (Ingram, 2016). در تقابل با تروریسم هر سه رئیس جمهور از استراتژی متفاوتی استفاده کرده اند. بوش سعی کرد تا با اقدامات نظامی تهدیدات افزایش یافته اسلام افراطی در خارج از کشور را کنترل کند در حالی که از اجرای قانون داخلی برای محافظت از وطن در برابر حملات تروریستی استفاده نمود. «وی از ارتش برای درگیر کردن حملات نظامی در خارج از کشور استفاده کرد تا بتواند تأثیر و رشد گروه‌های بین المللی تروریستی اسلامی را کاهش دهد» (James Jay Carafano et al, 2017) موضوع ترامپ کاملاً متفاوت بوده است. همزمان با وعده رفاه، که با جهش سال 2017 در بازار سهام آمریکا و نرخ رشد اقتصادی داخلی مشهود بود، «ترامپ وعده امنیتی و مبارزه با تروریسم را داد. در این راستا، هفت حوزه وجود دارد که در سال‌های ریاست جمهوری ترامپ می‌توان بررسی نمود» (STREET J, 2018).

1. bin Laden

2. Hamid Karzai

1-2-4. منع سفر ترامپ

یک هفته پس از ادای سوگند، ترامپ برای افرادی که از هفت کشور دارای جمعیت مسلمان: ایران، لیبی، سومالی، سوریه، سودان، یمن و عراق خواستار ورود به ایالات متحده بودند، منع سفر موقت صادر کرد. «توجه این بود که منع سفر، بر اساس نگرانی‌های امنیتی از ورود تروریست‌ها به ایالات متحده می‌باشد» (Trump's executive order, 2017) این منع قانونی بلافاصله در چندین دادگاه فدرال مورد اعتراض قرار گرفت و «دولت ترامپ را مجبور به صدور ممنوعیت سفر مجدد کرد که عراق را از لیست خارج و کره شمالی و ونزوئلا را اضافه کرد» (Swoyer, 2017). «در اوایل دسامبر 2017، دیوان عالی کشور اجازه داد که ممنوعیت سفر تا زمان بررسی کامل مورد تجدید نظر قرار گیرد» (Holland, 2017).

2-2-4. ساختار نیروهای مسلح ایالات متحده

بخشی جدایی‌ناپذیر از کاندیداتوری ترامپ تمایل وی به ایجاد ساختار نیروی نظامی کشور و افزایش و نوسازی وضعیت هسته ای آمریکا بود. ترامپ همچنین اظهار داشت که سلاح و تجهیزات آمریکایی را به متحدان آمریکا در سراسر جهان ارائه خواهد داد. در همین راستا، «ترامپ مهارت خود به عنوان تاجری موفق را ارتقا داد و به سرعت معاملات بزرگ اسلحه را قطع نمود تا به نفع ایالات متحده و متحدان خاص اش باشد» (Jeff Daniels, 2018) «دولت ترامپ برای تنظیم تسلیحات نظامی و اعطای معافیت‌های مربوط به برخی از کشورهای خاورمیانه ای که برای پیشبرد منافع آمریکا ضروری تشخیص داده می‌شدند، این کار را انجام داد». (Julia Manchester, 2017) به عنوان مثال، «ترامپ در حالی در ماه مه 2017 به پادشاهی عربستان سعودی سفر کرد، اظهار داشت که وزارت امور خارجه وی در انتقال هواپیماهای جنگنده آمریکایی به کویت مجاز است و در این امر را تسریع بخشد» (Ali Vitali & Saphora Smith, 2017)

3-2-4. استفاده جدید از مجوز نیرو

جنگ علیه تروریسم طولانی‌ترین "جنگ" در تاریخ آمریکا است. «یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های قانونی این جنگ طولانی، مجوز استفاده از قدرت در کنگره در سپتامبر 2001 است» (Authorization for Use of Military Force Against Iraq, 2002) اواخر دوره دوم ریاست جمهوری خود، اوباما معتقد بود که چنین چیزی ضروری است. در 6 دسامبر 2015، اوباما در یک سخنرانی در مورد حمله تروریستی توسط دو افراط‌گرا در جشن کریسمس در سن برناردینو، کالیفرنیا، از کنگره خواست تا نام داعش را به طور خاص ببرد و پارامترهایی را برای انجام اقدامات مسلحانه تعیین کند. در حالی که ترامپ سودمندی نیروی نظامی علیه تروریست‌ها را در جنگ علیه تروریسم بالاخص برای داعش و حتی شرایط سوریه، در نظر گرفت. ترامپ با بیان عبارت دقیق نیروی جدید نظامی علیه تروریست‌ها، به دنبال نابودی داعش به عنوان نهادی جغرافیایی متمرکز بود.

4-2-4. داعش

الدوله الاسلامیه من عراق الی الشام در جهان انگلیسی زبانان به عنوان دولت اسلامی عراق و الشام (داعش) شناخته می‌شود، «اگرچه این گروه واژه عربی الشام را به معنای دولت اسلامی (داعش) ترجیح می‌دهند» (Wood, 2015). تا همین اواخر، گروه تروریستی سنی مذهب پیشگام اصلی اسلام رادیکال در سراسر جهان بود. «پیرو آموزه تکفیری، دولت اسلامی متعهد به پاکسازی جهان با کشتن تعداد زیادی از مردم است» (Sanchez, 2019).

داعش با بهره‌گیری از جنگ داخلی سوریه و جامعه شکسته عراق، سعی در ایجاد یک دولت آرمانشهر داشت که در نهایت جهان را تسخیر کند. پیرو این خلافت خودخوانده مسلمان، با افتخار و آشکار مرتکب خشونت و وحشت شدند در حالی که بدون سر و صدا اعلام می‌کردند که با تفسیر آنها از دین مسلمان چنین دستوراتی صادر می‌شود. «گرچه همیشه آشکار بوده است که اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان مدرن در سراسر جهان این قرائت از دین مسلمان را به شدت رد می‌کنند، اما برای داعش و بسیاری از پیروان اسلام افراطی، این اهداف همیشه رفتار را توجیه می‌کند، و در نتیجه منجر به مرگ افراد مسلمان، مسیحی و یهودی زیادی می‌شود» (Dean Obeidallah, 2017)

یکی از واضح‌ترین مواضع سیاست استراتژی ترامپ در جنگ علیه تروریسم این بود که «داعش باید از مناطق گسترده جغرافیایی در سوریه و عراق ریشه کن شود»، (Islamic State could soon execute, 2015) در ژانویه 2017، وی دیدگاه قاطع خود را مبنی بر اینکه پنتاگون باید به دژهای داعش نفوذ پیدا

کند. «ترامپ مشکل داعش را به دلیل تصمیم اوباما برای عقب نشینی سریع همه نیروهای آمریکایی از عراق در سال 2011 بیان می‌دارد، اگرچه جنگ داخلی در سوریه نیز یکی از عناصر مهم در افزایش حجم این گروه بود» (Wittes, 2015). اگرچه اوباما این اندیشه متعارف را نادیده گرفت که عزیمت کامل نظامی آمریکا در عراق باعث تقسیم کشور عراق به خطوط فرقه ای و تبدیل آن به صحنه هرج و مرج می‌شود، اما «اوباما به درستی فهمید که بیشتر آمریکایی‌ها از استقرار نیروهای جنگی در خارج از کشور خسته شده اند و می‌خواهند» (Solutions, 2018). از عراق سریع خارج شوند، بنابراین اقدام به خروج نیروهای خود از عراق نمود. «بر این اساس، هنگامی که اوباما با ظهور داعش در سوریه و عراق روبرو شد، در ابتدا در برابر به رسمیت شناختن داعش به عنوان تهدید نظامی مقاومت کرد» (Sinha, 2015) اما هنگامی که موصل، دومین شهر بزرگ عراق، توسط داعش در ژوئن 2014 تصرف شد، «اوباما دیگر نمی‌توانست واقعیت‌های سخت راجع به این تهدید جدید و کشنده که یکی از مولفه های جدید جنگ علیه تروریسم است را انکار کند» (Chulov, 2014).

5-2-4. افغانستان

هنگامی که ترامپ در سال 2017 کار خود را آغاز کرد، با مسئله افغانستان روبرو شد «منظور او از تجارت در افغانستان زمانی بود که ایالات متحده بزرگترین بمب غیرهسته ای خود را در کوه های افغانستان رها کرد» (Cooper & Mashal, 2017). ترامپ در اواخر ماه اوت سال 2017، تصمیم گرفت تا «قدرت نیروهای خود را با افزایش دهد، در حالی که قول شکست تروریسم در افغانستان را داد» (Cooper &

Mashal, 2017) در 21 آگوست 2017، ترامپ اعلام کرد که «انگیزه اصلی او خروج از افغانستان است، اما در عوض تصمیم گرفت که دستور افزایش نامشخص نیروهای آمریکا در جنگ شانزده ساله را صادر کند. از ماه اول سال 2018، تقریباً 14000 نیروی آمریکایی در افغانستان هستند» (Elliott, 2017)

از نظر ترامپ، نگرانی واقعی این نیست که فقط به ارتش افغانستان کمک کنیم تا با شورشیان طالبان بجنگد، بلکه تهدید داعش و سایر گروه های افراطی است که ممکن است جایگاه های جدیدی در افغانستان و پاکستان بدست آورند. وزیر دفاع جیمز ماتیس خاطر نشان کرد؛ «اگر به منطقه نگاه کنید، این استراتژی در قبال جنوب آسیا است و ما در این موضوعات به آن خواهیم پرداخت» (Nancy & Lubold, 2018) در سخنان گفته شده در فورت مایر، ویرجینیا، در تاریخ 21 آگوست 2017، ترامپ چشم انداز خود در مورد افغانستان، بیان کرد؛ «مردم آمریکا از جنگ بدون پیروزی خسته شده اند. این امر در هیچ کجا مشهودتر از جنگ افغانستان، طولانی‌ترین جنگ در تاریخ آمریکا - 17 سال نیست. همچنین سرخوردگی آنها را نسبت به سیاست خارجی مشترک می‌بینم که زمان، انرژی، پول و مهمتر از همه زندگی را صرف تلاش برای بازسازی کشورها به جای پیگیری منافع امنیتی آمریکا کرده است. ترامپ سپس به تشریح ستون اصلی استراتژی جدید ترامپ در افغانستان پرداخت؛ «ما در مورد تعداد نیروها یا برنامه های خود برای فعالیت های بعدی نظامی صحبت نخواهیم کرد. شرایط موجود در زمین - و نه جدول زمانی خودسرانه - از این پس استراتژی ما است. دشمنان آمریکا نباید برنامه های ما را بدانند و یا باور داشته باشند که می‌توانند منتظر ما بمانند. من نمی‌گویم چه زمانی قصد حمله داریم، اما حمله خواهیم کرد» (Donald J. Trump, 2018).

6-2-4. ایران

ترامپ بر این باور بود که «ایران مسلح به هسته ای، پدیده ای نامطلوب برای منطقه و منافع آمریکا به همراه خواهد داشت» (Karl Vick, 2015). او بر این باور بود که با در اختیار داشتن سلاح های هسته ای، ایران می‌تواند غرب را تهدید کند. علاوه بر این، یک ایران هسته ای مطمئناً باعث گسترش سلاح های هسته ای در منطقه خواهد شود. استراتژی امنیت ملی دسامبر 2017 تلاش زیادی برای توصیف تهدیدات ایران هسته ای اختصاص می‌دهد. «ایران از گروه های تروریستی حمایت می‌کند و آشکارا خواستار نابودی ما است» (Noble, 2017). «در اکتبر 2017، ترامپ به طور شفاهی رژیم ایران را با ادعای حمایت مالی از تروریسم تنبیه کرد و از توافق نامه اوباما خارج شد» (Kay Armin Serjoie, 2013)

خروج یکجانبه آمریکا از برجام توسط ترامپ با نقض قطعنامه 1929، موجب تضعیف جایگاه نهاد بین المللی حافظ صلح و ثبات جهانی، یعنی شورای امنیت ملل متحد بود، به طوری که در خود آمریکا نیز با مخالفت‌های بسیاری روبرو شد. نقض این قطعنامه زمانی بیش از پیش به نمایش گذاشته شد که این کشور، تحریم‌های یک جانبه ای را در چارچوب سیاست فشار حداکثری با پشت کردن به قوانین بین المللی، علیه

ایران به اجرا گذارد. «خروج آمریکا از برجام، برای خود این کشور هم دارای پیامدهای سیاسی و امنیتی بود؛ این خروج هم یکی از زمینه های تیره شدن روابط دوسوی اتلانتیک بود، هم امنیت را برای آمریکا در منطقه افزایش نداد و هم موجب نشد ایران بار دیگر به پای میز مذاکره بازگردد. اما از سوی دیگر، با اینکه ایران دست به مقاومت علیه فشارهای آمریکا زد، این خروج، برای جمهوری اسلامی نیز پیامدهای سیاسی و امنیتی اقتصادی زیادی در پی داشت.» (naghshbandi, et al. 2020)

نتیجه گیری

شاید مشکل اصلی در تعریف نامتقارن جنگ علیه تروریسم، تعریف دشوار "پیروزی" باشد. بسیاری آرزوی روزی را دارند که ارتش خارج از کشور بسته شود و جنگ پایان یابد. بوش، علیرغم تخریب اردوگاه های آموزشی القاعده در افغانستان و اخراج طالبان از کنترل آن کشور، هرگز به پیروزی نرسید. در واقع، بوش با لشکرکشی خود علیه صدام حسین و در نتیجه ظهور القاعده در عراق، دامنه جنگ علیه تروریسم را گسترش داد. او باما در هشت سال ریاست جمهوری خود نیز نتوانست به پیروزی برسد و به نظر می رسد در تلاش برای ارائه فرمولی روشن برای پایان دادن به جنگ علیه تروریسم بسیار متزلزل است. او باما در ابتدای ریاست جمهوری خود ابراز تاسف کرد. حتی وقتی کلمه پیروزی را در مورد افغانستان وارد می کند، ناراحت است. حتی با موفقیت تاکتیکی درخشان او باما در کشتن اسامه بن لادن، رهبر القاعده، در سال 2011، قادر نیست پیروزی تاکتیکی درخشان را به یک پیروزی بزرگتر استراتژیک تبدیل کند که ممکن بود پایان جنگ علیه تروریسم را فراهم کند.

با ورود دولت ترامپ به سال دوم، ترامپ رویکرد خود را در قبال جنگ با تروریسم تدوین کرد، البته دکتترین ترامپ قطعاً ریشه در مقررات قانونی و سیاسی 11 سپتامبر است. به عنوان مثال، مرجع اصلی حاکمیت قانون برای استفاده از نیروی نظامی در خارج از کشور، در دوره بوش تعیین شده است، در حالی که استراتژی واقعی وی برای استفاده از نیروی نظامی در عراق و سوریه، سطح کمی از استراتژی نهایی نظامی او باما در استفاده از بومی ها، نیروهای پشتیبانی شده توسط نیروی هوایی و نیروهای ویژه آمریکایی برای شکست داعش را به خود اختصاص داد.

در اجرای جنگ، ترامپ سه مرحله ای را برای دستیابی به پیروزی نظامی را بیان داشته است؛ «(1) شناسایی دشمن؛ (2) شناسایی مرکز ثقل دشمن؛ و (3) خرد کردن دشمن. در افغانستان، ترامپ استراتژی "عقب نشینی مرحله ای" او باما را که با یک جدول زمانی تقویم مرتبط بود، کاملاً جنجال زده دانسته و آن را با یک استراتژی پایان باز که تشخیص شرایط سیاسی و امنیتی محلی» (Prabhu, 2017). در زمین جنگ است را جایگزین نمود. ترامپ استفاده از مربیان نیروهای عملیات ویژه ارتش را برای کمک به نظامیان برخی از کشورهای خاورمیانه و آفریقا در مبارزه با تروریسم گسترش داد» (Schmitt, 2018). در تصویر بزرگ، برخی دکتترین ترامپ را "رد پای متوسط" نامیده اند که در تلاش است «با استفاده از نیروهای محلی و نیروهای عملیات ویژه آمریکایی و مقابله با تروریسم افراطی اسلامی، از جنگ های بزرگ زمینی جلوگیری کند» (Feaver, 2017). اختلافات اساسی بین استراتژی نهایی او باما 2016 و ترامپ این است که ترامپ تصمیم گیری جنگی را در میدان جنگ به فرماندهان زیرمجموعه تفویض کرد. ترامپ در اعلامیه عمومی خود برای افزایش قدرت نیروهای آمریکایی در افغانستان اظهار می دارد؛ «سرانجام، به مردم افغانستان بستگی دارد که آینده خود را مالک شوند، جامعه خود را اداره کنند و به صلح ابدی برسند. ما یک شریک و دوست هستیم، اما به مردم افغانستان حکم نمی کنیم که چگونه زندگی کنند، یا چگونه جامعه پیچیده خود را اداره کنند. ما در صدد ساختن ملت ها نیستیم. ما تروریست ها را می کشیم» (Donald J. Trump, 2017). یکی از مفسران ملی، رویکرد جنگ ترامپ را چنین خلاصه کرد: «ترامپ از روزهای نخست حضور خود در دولت، استفاده از کماندوها، حملات شبانه شکار تروریست ها، پرخاشگرانه عمل کرده و محدودیت ها را از همه از ژنرال های برتر تا فرماندهان میدانی گرفته است» (Hennigan, 2017; 35).

Alikhani, mehdi.(2020). Examining Trump's "maximum pressure strategy" on Iran from the perspective of "coercive power". International Studies Journal (ISJ).Vol. 17, No. 1.(In Persian)

Amini, Vahed (2012). "Transformation of Terrorism in the Age of Globalization and Its Effect on North-South Relations in the International System", Political and Economic, No. 289. (In Persian)

Buzan, Barry .(2010). The United States and the Great Powers, translated by Abdolmajid Heydari, Institute for Strategic Studies Publications. (In Persian)

Beamon, Todd,(2017). State Dept.: Trump Policies Brought 'Dramatic' Gains Against ISIS.

Cooper, Helene & Mashal, Mujib. (2017). U.S. Drops 'Mother of All Bombs' on ISIS Caves in Afghanistan, N.Y. TIMES.

Clinton, Hilary.(2009). Security and opportunity for the twenty first century. Foreign affairs.

Carafano et al..(2017). A Counterterrorism Strategy for the "Next Wave", HERITAGE FOUND. <https://www.heritage.org/defense/report/counterterrorism-strategy-the-next-wave>.

Chulov, Martin. (2014).Isis insurgents seize control of Iraqi city of Mosul, THE GUARDIAN .

Democratic presidential debate on NPR, (2013).

Elliott, supra note 86 (discussing President Trump's announcement of troop increases in Afghanistan).

Daniels, Jeff.(2018). Defense manufacturers cashing in on Trump's global arms push, CNBC.

Dexter filkins.(2009). push for talks in afghan fight, new York times; roston aram, talking to the Taliban, foreign policy.

Feaver, Peter.(2017). Trump's War on Terror Rejects Obama's Off-Shore Balancing for Obama's Operational Raiding, FOREIGN POL'Y.

Gerges, F.(2012). The 1967 Arab-Israeli War: U.S. Actions and Arab Perceptions. In Lesch, D. (3rd ed.), The Middle East and the United States: A Historical and Political Reassessment . United States: Westview Press.

Gladstone, Rick.(2017). Russia Assails Investigators Who Faulted Syria in Sarin Attack, N.Y. TIMES .

Holland, Steve.(2017). Trump wants to make sure U.S. nuclear arsenal at "top of the pack", REUTERS .

Hennigan, W.J. (2017). The New American Way of War, TIME, <http://time.com/5042700/inside-new-american-way-of-war>.

Hayes.(2017). supra note. discussing the number of ISIS inspired attacks and arrests in the U.S. and the geographic defeat of ISIS in the Middle East.

Ingram, Matthew.(2016). Here's Why the Media Failed to Predict a Donald Trump Victory, FORTUNE .

James. Verini, (2017)..Surviving the Fall of ISIS, NAT'L GEOGRAPHIC.

Kaplan, Fred.(2017). Strategic Confusion, SLATE.

Keating, Joshua.(2017). Trump Puts the CIA Back in the Targeted-Killing Business, THE SLATEST
http://www.slate.com/blogs/the_slatest/2017/03/14/trump_puts_the_cia_back_in_the_targeted_killing_business.htm.

Kroenig, Matthew.(2016). Trump Said the U.S. Should Expand Nuclear Weapons. He's Right, POLITICO.

Manchester, Julia.(2017). US approves \$3.8B in arms sales to Bahrain, THE HILL.
<http://thehill.com/policy/defense/349903-defense-us-approves-38b-in-arms-sales-to-bahrain>.

Nancy .A. Youssef & Gordon Lubold.(2018). U.S. Military to Bulk Up in Afghanistan With Drones, Troops, WALL STREET.

Noble, Andrea & Dave Boyer.(2017).White House says Saipov should be considered 'enemy combatant', WASH. TIMES.
<https://www.washingtontimes.com/news/2017/nov/1/wh-saipov-should-be-considered-enemy-combatant>.

Naqshbandi, et al(2020), political and economic consequences of the US withdrawal from the UN Security Council for Iran during the Trump era and the beginning of the Biden era, International Studies Journal (ISJ) Vol. 17, No. 3 (67), (In Persian)

Maleki, Mohammad Reza. Mohammadzadeh Ebrahimi, Farzad.(2020). The prospect of Middle East peace in the shadow of the normalization of Israeli-Arab relations. International Studies Journal (ISJ) Vol. 17, No. 3 (67), (In Persian)
 Mottaqi, Ebrahim (2010), "Signs and Processes of Obama's Foreign Policy 10-2009", International Quarterly Journal of Foreign Relations, Second Year, No. 6. (In Persian)

Malsin, Jared.(2017). Raqqa Is in Ruins, and ISIS in Retreat, TIME,
<http://time.com/raqqa-ruins-isis-retreat>.

Obama,barak (2009) speech to the Chicago council on global affairs,<http://my.barakobama.com>.

Obama, barak speech in prague, Czech republic.(2013). the white house,
http://www.whitehouse.gov/the_press_office/by_president_barak_obama_in_prague_as_delivered.

Obeidallah, Dean,(2017). No One Wants to See ISIS Defeated More Than Muslims, HUFFINGTON POST, https://www.huffingtonpost.com/dean-obeidallah/isis-defeat-muslims_b_10825028.html; Michael Lipka, Muslims and Islam.

Pamela, Engel.(2017). How Trump came up with his slogan 'Make America Great Again', BUS. INSIDER. www.businessinsider.com/trump-make-america-great-again-slogan-history-2017-1.

Pakparvar, Mohsen (2009), "War on Terrorism, Opportunity or Cost", Monthly Events and Analysis, 233. (In Persian)

Prabhu, Jaideep A.(2017). Trump's Afghan Policy Better Than Obama's But Take His Rebuke of Pakistan With a Pinch of Salt, SWARAJYA.

Plat form standing committee of the democratic national committee(2008). Democratic national platform. Available at: <http://www.democrats.com>

Petulla, Sam.(2017). Vehicles are Becoming the Weapons of Choice for Terrorists, NBC NEWS, <https://www.nbcnews.com/news/world/vehicles-are-becoming-weapons-choice-terrorists-n768846>

Schmitt, Eric.(2017) Using Special Forces Against Terrorism, Trump Seeks to Avoid Big Ground Wars, N.Y. TIMES.

Sanchez, Ray.(2017). ISIL, ISIS, or the Islamic State?, CNN. <https://www.cnn.com/2014/09/09/world/meast/isis-isil-islamic-state/index.html>.

Shafi'i, Nozar .(2010). "Explaining the New Policy of the Obama Administration in Afghanistan and Pakistan (Off-Pak)", International Quarterly Journal of Foreign Relations, Second Year, No. 5. (In Persian)

Solutions.(2018). Middle East, supra note 117; War on terror fatigue: US and Australian attitudes 10 years after 9/11, U. OF SYDNEY.

Shreeya, Sinha.(2015). Obama's Evolution on ISIS, N.Y. TIMES, <https://www.nytimes.com/interactive/2015/06/09/world/middleeast/obama-isis-strategy.html>.

Serjoie, Kay Armin.(2017). Iranians are finding unity in hegemony, TIME, Oct. 30, 2017, at 5 (discussing Trump's decision from the Iranian point of view).

Swoyer, Alex,(2017). Travel ban case likely to end up before Supreme Court in 2018, WASH. POST, <https://www.washingtontimes.com/news/2017/dec/31/travel-ban-case-likely-to-end-up-before-supreme-co/>.

Trump, Donald.(2018). Foreign Policy Policies. POLITIPLATFORM, <https://www.politiplatform.com/trump>

Trump, Donald J.(2017). Remarks on Signing the National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2018 (Dec. 12, 2017) (transcript available at <https://www.whitehouse.gov/briefings-statements/remarks-president-trump-signing-h-r-2810-national-defense-authorization-act-fy2018/>).

Vitali. ali & Smith, Saphora .(2017). Donald Trump Lands in Saudi Arabia on First Overseas Visit of Presidency, NBC NEWS.

Wittes, Tamara Cofman.(2015). The regional impact of U.S. policy toward Iraq and Syria, BROOKINGS. <https://www.brookings.edu/testimonies/the-regional-impact-of-u-s-policy-toward-iraq-and-syria>.

Wilson, Michael.(2017). Chelsea Bomb Suspect Guilty in Attack That Sowed Terror Across Region, N.Y. TIMES, <https://www.nytimes.com/2017/10/16/nyregion/chelsea-bombing-verdict.html>.

Wood, Graeme.(2015). What ISIS Really Wants, THE ATLANTIC, <https://www.theatlantic.com/magazine/archive/2015/03/what-isis-really-wants/384980/> (describing the origin and goals of ISIS).

Yazdan Fam, Mohammad (2010), The Rotations of Liberalism, Tehran: Rozaneh Publications. (In Persian)

Zaki, Hafizullah (2014), The Presence of the United States and the Strengthening of Strategic Relations with the West, Vatan-e-Amrooz newspaper. (In Persian)